

آچارکشی

چهار خبر بی ارتباط

● **بوریا عالمی:** اول: وزارت آموزش وپرورش که در روزهای گذشته از دستگیری معلمان بی اطلاع بود، دیروز از آزادی معلمان خبر داد و باعث حیرت فلاسفه جهان شد.

دوم: آقای احمدی‌نژاد که در تمام سال‌های گذشته به جهان گیر می‌داد، دیروز از جهانگیری به جرم تداخل صنفی شکایت کرد و گفت من می‌خواستم جهان را بگیرم چرا اسحاق فامیلیش جهانگیری باشد و باعث عبرت پهلوانان جهان شد. سوم: روزنامه وطن امروز که هرروز همه را سوزه می‌کرد و کرکره همه را می‌کشید یابین، دیروز سوزه شد و بهش گیر دادند که واقعا چرا؟ ما به شکل دردآوری معتقد به آزادی بیان هستیم و نمی‌فهمیم چرا باید بست؟ این‌همه مرتضوی مطبوعات را بست، چی شد که حالا بشود؟ ما نمی‌گوییم به وطن امروز اجازه ندھیم حرف بزنند، می‌گوییم به همه اجازه بدھیم حرف بزنند.

چهارم: در راستای احساس عجیبی که مردم به روسیه دارند، وزارت خارجه اعلام کرد یک کام کوچک تا حذف روادید سفر به روسیه مانده است که باعث جشن و پایکوبی ملت شد. مردم گفتند ما تا الان روسیه نمی‌رفتیم چون روسیه رفته بود به ما نیروگاه اتمی بدهد که ۳۰۰ سال است پرنگشته، در قطع‌نامه‌ها هم که مثل یک رفیق واقعی پشت ما را منتمع می‌کرد. مردم اشک‌ریزان گفتند ما از این به‌بعد به جای اینکه برویم تایلند، می‌رویم روسیه و فیس توفیس با هم حرف می‌زنیم.

تخته سبز

حفاظت جنگل به‌جای روزنمادین

مژگان جمشیدی

● نام‌گذاری هشتم مرداد به نام روز «جنگل، رمز حیات» در حالی صورت می‌گیرد که سه‌هزارو ۵۰۰ هکتار از بهترین رویشگاه‌های جنگلی شمال که مامن یکی از ارزشمندترین ذخایر زئی ایران (شمشاد) است، اکنون به بهانه ساخت سد شفاورد در گیلان در آستانه نابودی کامل قرار گرفته و هرروز بخش‌هایی از این جنگل ناب زیر تیغ اَره‌ها از بین می‌رود. در گلستان و مازندران نیز جاده و سد، ویلا و شهرک، توسعه اراضی کشاورزی و ده‌ها کاربری دیگر همچنان مهم‌ترین عامل تخریب جنگل‌های باستانی ایران است. زاگرس نیز وضعیتی بهتر از البرز ندارد، از شش میلیون هکتار جنگل‌های بلوط غرب نیز قریب به یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار را به‌دلیل خشکیدی کامل در شش سال اخیر از دست داده و مابقی نیز به کشتزار بدل شده است. آتش‌سوزی نیز خود حکایت دیگری دارد و اگر نباشد انکار اصلا جنگل معنا ندارد! از شمال و غرب، جنگل‌های ایران پیوسته در آتش ناآگاهی مردم، بی‌تدبیری متولیان و تنگ‌نظری دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند و نمی‌کنند (!) می‌سوزند و خاکستر می‌شوند، بی‌آنکه آبی بر آتش پاشیده شده یا بالگردی برای اطفای آن از جا برخیزد. حالا اما در این میانه که جنگل‌های ایران در فشار بهره‌کشی بیش‌ازحد دست‌وپنجه نرم می‌کنند، صداوسیما آستین بالا زده و قرار شده در این روز نمادین، فیلم‌ها و تیزرها و پیام‌های تبلیغاتی دستگاه‌های متولی را برای جلب مشارکت مردم در حفظ جنگل‌ها، به رایگان پخش کند. البته فقط برای یک‌روز! چراکه در سایر روزهای سال متولیان باید برای پخش تیزرهای تبلیغاتی و آموزش عمومی جامعه به رسانه ملی پول بپردازند که به‌دلیل بودجه قطره‌چکانی این دو سازمان، عمدتا از پخش چنین برنامه‌هایی از آتن سیمّا، محروم می‌مانند! حال اگر آمار فائو از مساحت ۱۱ میلیون هکتاری جنگل‌های ایران را مبنا قرار دهیم، باید بگوییم که ما ایرانیسان در کمتر از نینفرن حدود هفت میلیون هکتار از مساحت ۱۸ میلیون هکتاری جنگل‌هایمان را از دست داده‌ایم و همین عرصه باقی‌مانده نیز، به‌لحاظ کیفی بسیار آسیب دیده و تقریبا جنگل مخروبه به‌شمار می‌رود.
باین‌حال جای شگفتی دارد که با وجود شعارهای متعدد دولت یازدهم در توقف بهره‌برداری از جنگل‌های شمال، با گذشت دوسال هنوز هم دولت با پیشنهاد سازمان محیط‌زیست برای اجرای طرح استراحت جنگل‌های شمال و توقف کامل بهره‌برداری‌ها موافقت نکرده است. آیا به‌راستی از کشوری که روی دریایی از ذخایر عظیم نفت و گاز نشسته، رواست که کنجینه‌های ارزشمند زنی‌اش را به بهانه طرح‌های جنگلداری، قطع و روانه کارخانجات چوب و کاغذ کند؟ بهره‌برداری از جنگل‌هایی که موزه زنده تنوع زیستی جهان محسوب می‌شوند چه توجیهی دارد؟ و آخرین پرسش این است که اساسا چرا باید سهم دو سازمان متولی از بودجه‌های دولتی برای حفظ و حراست از ۱۴۷ میلیون هکتار از خاک کشور از کزند مخربان به اندازه یک‌سوم بودجه سدی در گیلان باشد، که قرار است با تخریب جنگل و تزریق بتون و سیمان به‌جای آن و افزایش ضریب سیل‌خیزی منطقه، آبی را برای پایین‌دست تأمین کند که همین الان هم بدون سد برای کشاورزان قابل دسترس است؟ فراموش نکنیم اوضاع جنگل‌ها و مراتع و کلا محیط‌زیست ایران این‌قدر بحرانی است که حتی اگر ۳۶۵ روز سال را هم روز جنگل و... بنامیم، تغییری در وضعیت موجود ایجاد نخواهد شد مگر اینکه نگاه توسعه‌ای دولت‌ها حداقل از سر جنگل‌ها و مراتع و مناطق حفاظت‌شده برداشته و حفاظت علمی و واقعی جایگزین آن شود.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

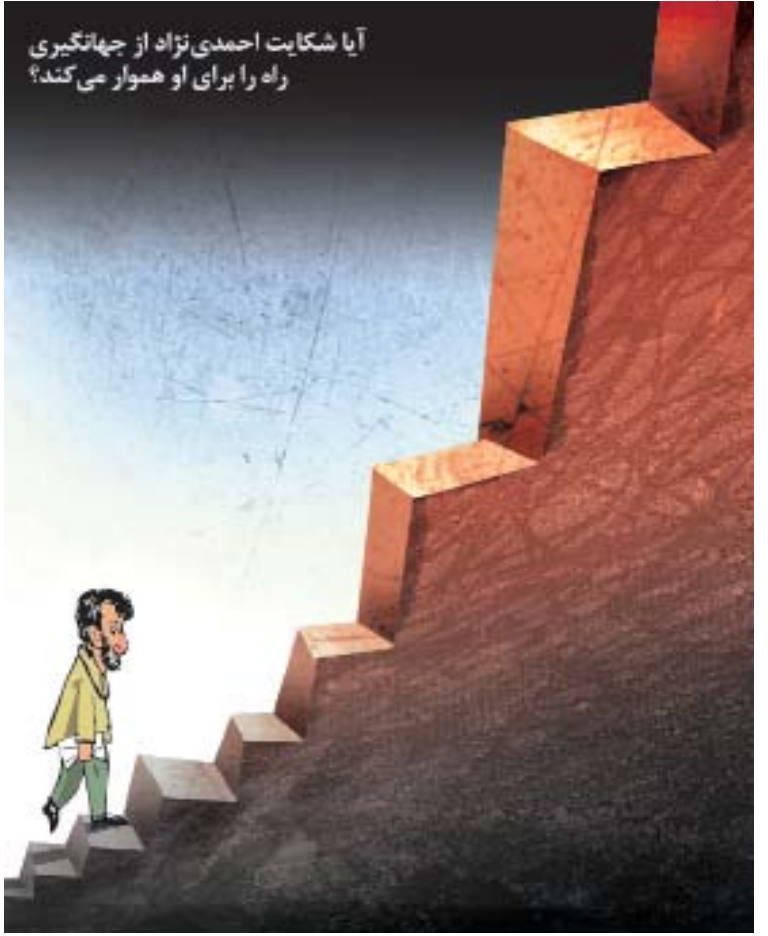
شنبه ۶ مرداد ۱۳۹۴ | ۱۱ شوال ۱۴۳۶ | ۸ جولای ۲۰۱۵ | سال دوازدهم | شماره ۲۳۵۷ | ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۲ • اذان صبح فردا ۴:۳۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۰

روزنامه‌فردا

کارتون خواب



دیان
motazedian.mehdi@yahoo.com



گزارش فردا

کودکان علیه رستاخیز

گیسو فقفوری

بیش از ۱۰ روز از زمانی که قرار بود فیلم رستاخیز اکران شود می‌گذرد و در این مدت واکنش‌های فراوان از سوی مخالفان، موافقان و مسئولان و انمه جماعت و روحانیون مطرح شده است آن‌طور که سخنگوی شورای صنفی نمایش گفته، اکران فیلم همچنان متوقف است و مسئولان سینمایی هم اعلام کردند با برخی حذفیات شاید امکان نمایش فیلم فراهم شود اما پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که با توجه به اکران فیلم «محمد(ص)» از روز چهارم شهریور پرونده اکران فیلم «رستاخیز» تقریبا بسته شده است. در این مدت برخی، مسئولان را در عدم ورود به مسائل این فیلم به ترس از دست‌دادن صندلی‌شان متهم کردند. برخی دیگر نیز از این گفتند که نباید برای یک مجوز اشتباه پافشاری کرد. دراین‌میان چند نکته و سؤال مطرح می‌شود که نشان از کمبودهای موجود در فضای سیاسی و سینمای ماست.

۱- فیلم رستاخیز پس از ۱۱ سال تلاش ساخته



شده است. در این مدت نیز با برخی از مراجع گفت‌وگو شده و درعین‌حال با توجه به اهمیت موضوع کرلّا، تحقیق و پژوهشی روی آن انجام شده است. هنگامی که جلّو اکران این فیلم گرفته می‌شود، این سؤال مطرح می‌شود که چه راهکار دیگری برای ساخت یک اثر مذهبی و تاریخی غیر از این وجود دارد؟ همچنین این نگرانی را به وجود آورده است که در آینده چگونه می‌توان به سراغ ساخت فیلم‌های این‌چنینی رفت و چه مسئول یا مسئولان و چه نهادهایی باید در این‌باره تصمیم‌گیری کنند.

۲- سال‌ها پیش زمانی که به‌روز افخمی فیلم زندگی امام‌خمینی(ره) را می‌ساخت، اعتراض‌هایی مطرح شد که مثلا هدیه تهرانی وجهه مناسبی برای ایفای نقش مادر امام‌خمینی ندارد یا موارد دیگر.

اما دربارۀ این فیلم نکته مهم این است که

احمدرضا درویش، چهره شناخته‌شده سینمای ایران، به‌عنوان کارگردان است و وسواس‌های زیادی که داشته است جلّو هرگونه عکس‌العمل این‌چنینی را گرفته است اما احتمالا هرگز فکر نمی‌کرد خود او با نوک تیز انتقادات مواجه شود و در این مدت مسائل و حرف‌های غیرواقعی درباره او گفته شد به‌طوری‌که در متنی که نوشت، مجبور

سعید برآبادی: چند خیابان به نام مستشرقان بزرگ فرانسوی، چند خیابان و پاساژ به نام مکان‌ها و پایتخت کشور فرانسه و مراودات چندقرنی میان ایران و این کشور همه در آستانه سفر فابیوس به تهران شکل دیگری گرفته است. جدا از رفتار منفی فابیوس در مذاکرات هسته‌ای، این‌روزها فضای مجازی به بازخوانی نقش فرانسه در ماجرای خون‌های آلوده پرداخته است؛ ورود خون‌های آلوده و درگیرشدن تعداد زیادی با ایدز و بیماری‌های دیگر، با سیدمحمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، از پیشینه رابطه میان ایران و فرانسه سخن گفته‌ایم.

کامهم‌زمان با اعلام خبر سفر فابیوس به ایران، در شبکه‌های اجتماعی موجی از مخالفت‌ها به راه افتاده. شما ریشه چنین برخوردی را چه می‌دانید؟ به اعتقاد من، لازم نیست، افرادی که ما با آنها در سطح جهانی، مراوداتی داریم عاشق ما باشند. در این‌گونه حوزه‌ها ما باید پیش از هرچیز منافع ملی کشور خود را در نظر بگیریم و اگر کسانی بودند که مشکلات مابین ما به آن اندازه زیاد نبود که به منافع ملی کشور آسیب برسانند، فارغ از اینکه علاقه‌مند به ما هستند یا نه، باید با آنها وارد مرادوه شد. صحنه امروز جهانی، صحنه عشق‌ورزی نیست، صحنه معامله است و اتفاقا سابقه ارتباطات ما ایرانی‌ها با فرانسه- در قیاس با کشورهایی چون آمریکا و انگلیس- به‌طور مستمر بوده



عبدالله انوار
نسخه‌چپ‌وّه

بررسی آثار به‌جامانده از مورخان ایرانی نشان می‌دهد که سیل یکی از بلایای طبیعی است که سرزمین ایران همواره با آن مواجه بوده است. سیل یکی از موضوعاتی است که در آثار مورخان دوره قاجاریه به‌کرات به آن اشاره شده است. در آثار محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله ملقب به نادرمیرزا و... از سیل‌های تهران و دیگر شهرهای

رودررو

در آستانه سفر فابیوس به ایران

بهشتی: در مراودات سیاسی قرار نیست عاشق هم باشیم

کشور مواجهیم؛ کشوری که در بسیاری از حوزه‌های کشورمان، نشانه‌هایی از توجه خود به ایران را به یادگار گذاشته است. به نظرم در دوره جدید، اتفاق مهمی که افتاده این است که جامعه تا حدود زیادی از رفتارهای رمانتیک خود در مواجهه با مسائل مختلف، خصوصا در حوزه ملی دست برداشته و با واقعیت‌ها روبه‌رو می‌شود. این تمه باقی‌مانده از رفتارهای رمانتیک در مواجهه با چنین اتفاقاتی هم به نظرهم باید با تلاش، فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی از بین برود تا دو کشور بتوانند در دو طرف میز بنشینند و با یکدیگر وارد گفت‌مان تازه‌ای شوند.

کامعدای دلیل مخالفت با ورود فابیوس به ایران را ماجرای خون آلوده وارداتی از کشور فرانسه می‌دانند، نظر شما چیست؟

به اعتقاد من اینها بهانه‌جویی است از سوی گروه‌هایی خاص که می‌خواهند در شرایط موجود کشور اظهار وجود کنند. چنین اظهاراتی بیشتر مصرف داخلی دارد تا اینکه بخواهد روی رفتار جهانی دو کشور با هم تأثیرگذار باشد. یادمان نرود که ما از هند برنج مسموم و آلوده وارد کرده‌ایم یا از برخی کشورهای دیگر، گوشت آلوده به کشور آمده است، آیا بر اساس استدلال این افراد، باید مانع روابط کشورمان با کشورهای ازاین‌دست شویم؟ اینها تخیلفاتی است که باید مورد به مورد بررسی شود نه اینکه بهانه‌ای شود برای قطع روابط و انزوای کشور.

آن سوی تاریخ

خرافاتِی که همراه سیل آمد

نداشت به‌طوری‌که قحطی، شیوع بیماری‌های واگیردار و کاهش جمعیت پیامد سیل‌ها بود. همین نبود سیستم‌های پیش‌بینی باعث رواج خرافات هم می‌شد حتی درباره سیلی که در زمان پهلوی دوم در تابستان در محدوده امامزاده داوود رخ داد، شایعه‌ای پیچید که بی‌حرمتی به حریم امامزاده باعث وقوع این سیل شده است. انتظار می‌رود این‌روزها با گسترش فناوری‌های پیش‌بینی توفان و هواشناسی، بتوانیم هوشمندانه‌تر در برابر این بلایای طبیعی عمل کنیم.

ایران نام برده شده است. به‌طوری‌که در دوره

قاجار اطراف تهران خندق‌هایی حفر شد که آب سیل به آنها می‌ریخت و در آن ذخیره می‌شد. این سیل‌ها به‌خاطر توفان‌های غیرمنتظره روی می‌داد و مخصوصا در فصل تابستان که سیل‌ها خشک بود، باعث جاری‌شدن آب و ازبین‌رفتن خانه و کاشانه مردم می‌شد. به‌دلیل نبود سیستم‌های هواشناسی، پیش‌بینی این حوادث غیرممکن بود و کمک‌رسانی به حادثه‌دیدگان بعد از وقوع سیل هم عملا وجود



افتتاح‌شد

نیاوران | بعد از چهارراه کامرانیه | مرکز خرید نارون | واحد ۱۲